

بسم الله الرحمن الرحيم

سفیر شام

غلو، تقصیر، تحریف

بر مبنای اعتقاد شیعه غلو و زیاده گویی در باب اهل بیت (ع) گناه و لغزشی نابخشودنی است و اهل بیت (ع) نیز ما را از این منکر بازداشته اند. از سوی دیگر تقصیر و کوتاهی در حق ایشان نیز گناه و لغزش است و این نیز مورد بخشش نخواهد بود. اگر منشأ غلو ارادت توأم با جهالت نسبت به اهل بیت باشد، تقصیر نیز ناشی از حقد و کینه و عناد و لجاجت و بی معرفتی نسبت به ایشان است. در این میان گاهی عده ای تقصیر خود در حق اهل بیت را با الفاظی همچون تحریف و عباراتی از این دست بیان می کنند. تحریف یک واقعه، یعنی وارونه جلوه دادن ارکان و اهداف و آثار آن حرکت در تاریخ.

برای مثال در مورد قیام امام حسین (ع) اهداف ارزشمند بسیاری در کلام ایشان بیان شده است که از آن جمله اصلاح دین در امت جد بزرگوارش، اقامه فروع، مبارزه با ظلم و ستم است. حال اگر کسی قیام ایشان را - نعوذ بالله- برای قدرت طلبی و یا دنیا طلبی تعبیر کند، واقعه عاشورا را تحریف کرده است. سؤال اینجاست که در کجا و در کدام منبع اصیل شیعی اهداف قیام حضرت دگرگونه بیان شده است که حرف از تحریف به میان می آید؟ آیا منظور از تحریف عاشورا، ازدواج حضرت قاسم است؟ انجام شدن یا نشدن آن، چه خللی به قیام سیدالشهداء وارد می کند؟ کسانی که این موارد از وقایع کربلا را- فارغ از صحت یا عدم صحت- تحریف می دانند، نگاه عالمانه و معرفت اندیش ندارند. مطالعه و تحقیق پیرامون دین و وقایع مرتبط با آن، با نگرش رسانه ای امکان پذیر نیست. نمی توان جریان عظیم عاشورا را با هیاهو و جنجال بر سر وقایع آن مورد بررسی قرار داد. اصل، قیام سیدالشهداء است و آنچه که بعنوان موارد اختلافی در کربلا نقل شده، به هدف حضرت آسیبی وارد نمی کند. بنابراین در فضایی عالمانه و حکیمانه باید مورد بررسی قرار گیرد. بزودی پیرامون تحریف در واقعه ی عاشورا مطالبی را مطرح خواهیم کرد.

رقیه بنت الحسین (س)

در این چند سطر مترصد هستم تا در باب هویت تاریخی علیا مخدره رقیه بنت الحسین (س) مطالبی را بیان نمایم. اگرچه حقیقت روشن است، اما از طرف برخی افراد (که انشاء الله طالب حقیقت هستند و نه مقصر در حق اهل بیت) تاخت و تاز شدیدی نسبت به وجود خارجی دختر خرد سال امام حسین- مشهور به حضرت رقیه- شده است. تا آنجا که وجود ایشان را جعل تاریخ کربلا و تحریف واقعه ی جانگداز دشت نینوا می دانند و ندای وا اسلاما سر می دهند!

دلیل برای این ادعا را عدم نقل نام ایشان در اسناد و مدارک عنوان می‌کنند و بعنوان شاهد برخی از منابع مانند ارشاد، اعلام الوری، کشف الغمّة و دلائل الامامة را ذکر می‌کنند و معتقدند چون نام ایشان در این کتب نیامده، پس چنین شخصی وجود خارجی نداشته است.

موانع عدم ذکر برخی وقایع در متون گذشته

۱. عده ای بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) حق مسلم امام مظلوم شیعیان حضرت علی (ع) را با تمسک به دروغ و زور بردند و بر خاندان ایشان در روز روشن ستمها روا داشتند و آنچه را که شایسته نبود انجام دادند. شیعه گروه ستمدیده و غارت زده‌ای است که حتی میراث مکتوب او نیز از این غارتها مضمون نماند. تاریخ به کرات آتش افروزی میراث علمی و مکتوبات شیعیان را ذکر کرده که جای انکار نیست. ممکن است برخی وقایع در جریان این آتش سوزی ها از بین رفته باشد.
 ۲. در طول مدت زمامداری خلفاء سقیفه، قدرت در اختیار کسانی بوده است که مخالف شیعه بودند و داعیه‌دار گزینش اخبار و احادیث بوده اند و به کمک این سانسور خبری توانستند مدتها بر قدرت تکیه زدند و دین را از مسیر خود منحرف سازند. ممکن است برخی وقایع بر اثر جو خفقان بیان نشده باشد.
 ۳. نوشتن حقایق را با وضع قانونی تحت عنوان "منع تدوین احادیث" ممنوع کردند. این قانون بعنوان خیانت بزرگ سقیفه تا دوران عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی که مقارن با حدود سال ۱۰۱ هجری بود، ادامه یافت. ممکن است برخی وقایع در این مدت ذکر نشده باشد.
- بنابراین اگر موضوع خاصی در کتب گذشته ذکر نشده باشد، دلیل بر نبودن آن موضوع نیست. "عَدَمُ الْوُجُودِ لَا يَدُلُّ عَلَى عَدَمِ الْوُجُودِ" یافته نشدن چیزی دلالت بر عدم وجود آن نمی‌کند. همچنین نمی‌توان گفت که "لَوْ كَانَ لَبَانَ" اگر مطلبی بود، پس بدست ما می‌رسید.

اسناد و شواهد تاریخی وجود ایشان

پس ممکن است در تاریخ به موضوعی مانند وجود حضرت رقیه اشاره نشده باشد اما دلیلی بر عدم وجود ایشان نیست. در مورد حضرت رقیه (س) موارد دیگری نیز وجود دارد که قابل توجه است. تشابه اسمی میان فرزندان امام حسین (ع) از طرفی و سرگذشتهای شبیه به یکدیگر از سوی دیگر می‌تواند دلیل بر عدم ثبت و ضبط نام این دختر بزرگوار در برخی منابع باشد که دلیل بر عدم وجود ایشان نیست. بطور مثال فاطمه صغیره که در بعضی از کتابها از او یاد شده ممکن است همان دختر خردسالی باشد که در خرابه شام جان داده است.

بعنوان مثال امام حسین (ع) نام تمامی پسران خود را علی گذاشتند که برای تمایز بین آنان، از وصف اکبر و اوسط و اصغر استفاده می شود. حتی این تشابه اسمی منشأ اشتباه قاتلان ایشان نیز شده بود. قافله فاتحان که به کوفه رسیدند، آنان را نزد ابن زیاد بردند. امام زین العابدین (ع) خود را معرفی کردند و فرمودند من علی بن الحسین هستم. ابن زیاد گفت: به من خبر دادند علی بن الحسین در کربلا کشته شده است؟ امام (ع) فرمودند: او برادرم بود.

از سوی دیگر عمر کوتاه حضرت رقیه (س) می تواند دلیل دیگری بر عدم ذکر نام ایشان در برخی منابع باشد. شاید اگر امام حسین (ع) فرزند شیرخواره خود حضرت علی اصغر را به میدان نمی برد، تاریخ نامی از ایشان را نیز ثبت نمی کرد.

با این اوصاف، به برخی از شواهد و قرائن و اسناد گویای وجود این مخدره اشاره خواهیم کرد:

۱. سیف بن عمیره محدث و فقیه شیعی از صحابه امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بوده و از رجال سند نقل حدیث قدسی زیارت عا شورا از امام باقر (ع) نیز می باشد. او مرثیه ای در رثای حضرت سیدالشهداء (ع) سروده و آن را برای امامان خویش خوانده است. در دو بیت آن دو بار نام حضرت رقیه (س) را آورده و امامان معصوم در رد و انکار آن چیزی بیان نکردند و این سکوت امام نشان از تقریر است. تقریر یعنی عملی انجام گیرد و امام با سکوت خود مهر تأیید بر آن بزنند. چرا که اگر از کسی رفتار نادرستی سر بزنند، امام آن را تأیید نمی کنند. عدم اعتراض، تلقی به قبول آن و تأیید مطلب است:

وَرُقِيَّةَ رَقِّ الْحَسَوْدِ لِيَضَعَهَا وَغَدَا لِيُعْذِرَهَا الَّذِي لَمْ يَعْذُرْ
وَلَامِ كَلْثُومٍ يَجِدُ جَدِيدَهَا لَثْمَ عَقِيبِ دُمُوعِهَا لَمْ يَكُرَّرْ
لَمْ أَنْسِهَا وَ سَكِينَةَ وَ رُقِيَّةَ يَبْكِينَهُ بِتَحَسُّرٍ وَ تَزْفَرُ

امام (ع) حضرت ام کلثوم و سکینه و رقیه را فراموش نکردند و بر آنان گریستند (با تحسر) در بیت سوم ضمیر کلمه "أنسها" به حضرت ام کلثوم باز می گردد.

۲. وقتی در کوفه حضرت زینب (س) سر برادر را بر نیزه دیدند، این اشعار را خواندند:
أخِي أَخِي

يَا هَلَالاً لَمَّا اسْتَمَّ كَمَالاً غَالَهُ حَسَنُهُ فَأَبْدَى غُرُوباً
مَا تَوَهَّمْتُ يَا شَقِيقَ فُؤَادِي كَانِ هَذَا مُقَدَّرًا مَكْتُوباً
يَا أَخِي! فَاطِمَةَ الصَّغِيرَةَ كَلَّمَهَا فَقَدَ كَادَ قَلْبُهَا أَنْ يَذُوباً

ای هلال من که چون بدر کامل شدی و در خسوف فرورفتی! ای پاره دلم! گمان نمی کردم روزی مصیبت تو را ببینم. برادر! با فاطمه خردسال و صغیرت، سخن بگو که نزدیک است دلش از غصه آب شود. چرا این قدر با

ما نامهربان شده‌ای؟ برادر جان! چقدر برای این دختر کوچک فاطمه سخت است که پدرش را صدا بزند، ولی او جوابش را ندهد." (بحار الانوار/ج ۴۵)

حضرت زینب در این شعر از رقیه به فاطمه صغیره یاد می‌کند و این مسأله را روشن می‌کنند که فاطمه صغیره که در بعضی از کتابها از او یاد شده، همان دختر خردسالی است که در خرابه شام جان داده است و براستی چه اشکالی دارد که این همان دختری باشد که در خرابه و در خواب با دیدن سر پدر جان داد؟
۳. در کتاب ینابیع المودة اثر قندوزی از علماء اهل تسنن، بعد از شرح کیفیت شهادت حضرت علی اصغر (ع) چنین آمده است:

« تُمَّ نَادِي: يَا أُمَّ كَلْثُومَ، وَيَا سَكِينَةَ، وَيَا رُقِيَةَ، وَيَا عَاتِكَةَ وَ يَا زَيْنَبَ يَا أَهْلَ بَيْتِي عَلِيكَنَّ مِنِّي السَّلَامُ » ای ام کلثوم، ای سکینه، ای رقیه، ای عاتکه و ای زینب! ای اهل بیت من! خدانگهدار. من نیز رفتم. (ینابیع المودة، ص ۳۴۶)

۴. در کتاب اللهوف علی قتلی الطفوف اثر سید بن طاووس از علماء شیعه آمده است:
شب عاشورا حضرت سیدالشهداء (ع) سخنانی فرمودند که حضرت زینب (س) گریستند. امام ایشان را به صبر دعوت کرده و فرمودند: « يَا أُخْتَاهُ، يَا أُمَّ كَلْثُومَ وَ أَنْتِ يَا زَيْنَبَ وَ أَنْتِ يَا رُقِيَةَ وَ أَنْتِ يَا فَاطِمَةَ وَ أَنْتِ يَا رَبَابَ! أَنْظُرْنَ إِذَا أَنَا قُتِلْتُ فَلَا تَشَقَّقْنَ عَلَيَّ جَيِّبًا وَ لَا تَحْمُشْنَ عَلَيَّ وَجْهًا وَ لَا تَقْلَنَّ عَلَيَّ هِجْرًا » (اللهوف/ص ۱۴۱) خواهرم، ام کلثوم و تو ای زینب! تو ای رقیه و فاطمه و رباب! سخنم را در نظر دارید او به یاد داشته باشید [هنگامیکه من کشته شدم، برای من گریبان چاک نزنید و صورت نخرانید و سخنی ناروا مگویید.

که در هر دو متن نام حضرت رقیه (س) بعنوان یکی از مخدرات اهل بیت (ع) آمده است. چه اشکالی پیش می‌آید که ایشان همان رقیه بنت الحسین (ع) باشد.

۵. مرحوم محدث قمی در فوائد الرضویه پیرامون کتاب کامل بهائی می‌نویسد: "کامل بهائی نوشته عمادالدین طبری، کتاب کامل بهائی، نوشته عماد الدین طبری، شیخ عالم، ماهر خبیر، متدرّب نحری، متکلم جلیل، محدث نبیل، کتابی پرفایده است که در سنه ۶۷۵ قمری تمام شده است و قریب به ۱۲ سال همت شیخ، مصروف بر جمع آوری آن بوده، از وضع آن کتاب معلوم می‌شود که نُسَخِ اصول و کتب قدمای اصحاب نزد او موجود بوده و آنگاه اشاره می‌کند به یکی از منابع از دست رفته که کتاب پر ارج « الحاویة در مثالب معاویه » است و تألیف قاسم بن محمد بن احمد مأمونی از علماء تسنن می‌باشد و عماد الدین طبری سرگذشت این دختر سه ساله را از آن کتاب نقل کرده است."

۶. دلیل شهرت؛ یکی از طرق اثبات موضوعات خارجی "اقامه شهرت" است.

اگر فردی بخواهد زمینی را بخرد ولی عموم مردم بگویند که این زمین وقفی است، حکم چیست؟ در روایتی حکم این مسئله از امام (ع) سؤال شد و ایشان فرمودند: اگر بین مردم مشهور است که این زمین وقفی است، خرید آن جایز نیست.

فرض سؤال این بوده که سندی برای وقف موجود نیست و واقف هم مشخص نیست ولی شهرت وقفی بودن زمین کفایت که خرید و فروش آن جایز نباشد.

یا وقتی که گفته می شود حافظیه مزار حافظ شیرازی است، چه سندی جز شهرت ما را وادار به قبول این مطلب می کند؟ ما هم می پذیریم، اما چه چیزی جز شهرت وجود دارد؟

می بینیم که شهرت می تواند موضوعاتی اینچنین را ثابت کند. یکی از همین موضوعات مزار رقیه بنت الحسین (ع) است که در شام می باشد. گویا امام حسین (ع) ایشان را در شام باقی گذاشته که اثری باشد تا کسی جریان اسارت در قیام کربلا را انکار کند. "امیرالمؤمنین علی (ع) و امام مجتبی (ع) به رقم ماهها جنگ و ستیز نظامی با معاویه، در اثر حمله عمرو عاص و بلاهت خوارج و سست عنصری بعضی از سرداران نتوانستند شام را فتح کنند اما سالار شهیدان در تداوم و تکمیل حرکت آن بزرگواران، توانست با قافله اسیران به شام نفوذ کند و با سخنرانی های کوبنده و افشاگرانه حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) کاخ اموی را بگشاید و در بازگشت به مدینه، سفیری جاودان به نام رقیه بنت الحسین (س) را برای ابلاغ پیام عاشورا در پایتخت بنی امیه برجای نهاد که نمادی ابدی از مظلومیت آل الله به شمار می آید."

۷. کرامات؛ موارد متعددی از کرامات این مخدره صادر شده که نه فقط برای شیعیان و محبین اهل بیت بلکه برای اهل تسنن و یهود و نصاری نیز متعدد اتفاق افتاده است. همه بر سفره کرامت این طفل سه ساله نمک گیر هستند و صد البته نمک خوردن و نمکدان شکستن بی معرفتی است.

حرف آخر:

اثبات یک موضوع و انکار آن، دلیل می خواهد. ما از منکرین ایشان سؤال می کنیم:

۱. دلیل انکار ایشان از سوی شما چیست؟

۲. انگیزه این انکار کدام است؟